

## تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی استان‌های ایران

ابوالفضل شاه‌آبادی\*

بهناز خوش‌طینت\*\*

مهدی میرغیائی\*\*\*

علی مرادی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۱ - تاریخ تأیید: ۹۸/۱۲/۰۶

### چکیده

رفاه اجتماعی، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از قوانین و مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌های اعمال شده جهت رفع نیازهای مادی و معنوی انسان است که بهبود آن موجب کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی از قبیل خشونت، بیکاری، استعمال مواد مخدر، فقر و خودکشی می‌شود. از این‌رو، شناسایی تعیین‌کننده‌های آن (خاصه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران) بسیار ضروری است. از سویی، توسعه بخش بانکی با تجمیع پس‌اندازهای خرد و پراکنده موجود در جامعه و تخصیص آسان و کم هزینه آن به کلیه آحاد جامعه می‌تواند رفاه اجتماعی را بهبود بخشد. بنابراین، تحقیق حاضر سعی نموده تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۵ را بررسی نماید. به همین منظور از تابع رفاه اجتماعی سن به‌عنوان جایگزین رفاه اجتماعی و از تسهیلات داخلی بانک‌ها به بخش خصوصی (درصدی از تولید ناخالص داخلی هر استان) به‌عنوان جایگزین توسعه بخش بانکی استفاده شده است. مدل تحقیق نیز با استفاده از داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برآورد گردیده که نتایج نشان داد، تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران مثبت و معنادار است. همچنین، تأثیر متغیرهای کنترل شامل نرخ تورم و نرخ بیکاری بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران منفی و معنادار و تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران فاقد معناداری آماری است.

**واژگان کلیدی:** رفاه اجتماعی، توسعه بخش بانکی و داده‌های تابلویی.

**طبقه‌بندی موضوعی:** J31، G21، C33.

\* استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: a.shahabadi@alzahra.ac.ir

\*\* استادیار بازاریابی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین زهرا.

\*\*\* کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد واحد بوئین زهرا.

\*\*\*\* کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.



## ۱. مقدمه

رفاه اجتماعی به وضعیت چند جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اطلاق می‌شود که حفظ شأن و کرامت انسان و مسئولیت‌پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه اعم از عرصه‌های فردی و جمعی سرلوحه کلیه اهداف و برنامه‌ها قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، رفاه اجتماعی همان ارضای نیازهای اولیه انسان (نیازهای زیستی، مسکن، آموزش و بهداشت و غیره) به شرط وجود فرصت‌های برابر<sup>۱</sup> است که از مهم‌ترین اهداف نظام‌های سیاسی از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. زیرا، بهبود وضعیت رفاهی مردم و جلب رضایت آنان -خاصه طبقات فرودست اجتماع- مانع از شکل‌گیری آشوب‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی و تخریب و نابودی پایه‌های اجتماعی و سیاسی فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.

از سویی، شواهد تجربی نشان داده تأمین رفاه اجتماعی مستلزم کارکرد صحیح نهادهای فعال در یک کشور از جمله دولت، بازار، جامعه و خانواده است که دستیابی سیاست‌های تأمین رفاه اجتماعی به اهداف خود را با بیشترین بازخورد و کمترین هزینه ممکن می‌سازد. در همین راستا، تحقیق حاضر سعی نمود تأثیر توسعه بخش بانکی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد فعال بخش مالی در اقتصاد ایران را بر رفاه اجتماعی استان‌های کشور طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۶ بررسی نماید. زیرا، توسعه بخش بانکی با ایجاد دسترسی آسان و ارزان قیمت آحاد جامعه به خدمات و تسهیلات مالی سبب تسهیل فرایند تشکیل سرمایه، رونق فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح درآمد سرانه و کاهش نابرابری درآمدی شده و رفاه اجتماعی را بیشینه می‌نماید. در ادامه، مطالعه حاضر چنین سامان‌دهی شده که در ابتدا، مبانی نظری رفاه اجتماعی و توسعه بخش بانکی بیان شده است. سپس، سازوکار تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی تبیین شده است. همچنین، پیشینه مطالعات تجربی تحقیق مرور شده و جنبه نوآوری تحقیق ذکر گردیده است. آن‌گاه، مدل تحقیق ارائه و برآورد شده است. در نهایت، نتایج حاصله از برآورد مدل، تفسیر و بر اساس آن توصیه‌های سیاستی پیشنهاد شده است.

۱. نابرابری فرصت‌ها، تمسک به روش‌های غیرمنطقی ارضای نیازها در جامعه را افزایش داده و به معضلات اجتماعی دامن می‌زند.

## ۲- ادبیات موضوع

### ۲-۱- رفاه اجتماعی

علی‌رغم گذشت بیش از ۲۰۰ سال از طرح واژه رفاه اجتماعی توسط بنتهام و هیوم، هنوز یک تعریف مورد اجماع محافل علمی از آن وجود ندارد. در نتیجه، صاحب‌نظران هر کدام به فراخور مشرب فکری و رشته مطالعاتی خود، تعاریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. به‌طور نمونه، بنتام و هیوم، رفاه را با بهره‌مندی یا مطلوبیت مترادف دانسته و آن را به‌معنای خیر و خوشبختی تعریف کرده‌اند.

پیگو<sup>۱</sup> رفاه را مقوله‌ای کمی و قابل اندازه‌گیری با پول دانسته که با آمل و آرزوهای فرد ارتباط دارد. راولز<sup>۲</sup> رفاه را به صورت توزیع عادلانه منابع تعریف نموده است. سولر<sup>۳</sup> در تعریف رفاه بر ترجیحات و تمایلات فرد تأکید کرده است. در کتاب کار و اصطلاحات تأمین اجتماعی نیز رفاه هم در معنای وسیع یعنی آسایش فکری و جسمی و هم در معنای محدود یعنی تلاش برای پیشرفت وضع بهداشت عمومی، خوشبختی و آسایش مادی و معنوی جامعه تعریف شده است (فیض‌زاده و مدنی، ۱۳۷۹: ۲۱۳). اما، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، واژه «welfare» که به حالتی از سلامت، شادی، سعادت، خوب بودن و مساعدت به صورت پول، غذا و سایر مایحتاج ضروری نیازمندان اشاره دارد؛ در ابتدا به‌صورت مصدر «to well fare» به‌معنای خوب بودن و خوش‌گذرانیدن به کار می‌رفته است. واژه «social» نیز متضمن وجود ارتباط بین رفاه و جامعه جهت مقابله با خطرات فراروی انسان در زندگی اجتماعی است. (میچلی، ۱۳۷۸: ۴)

امروزه، وضعیت رفاهی از عوامل ایجاد تمایز میان کشورها محسوب می‌شود. همچنین، هدف بنیادین برنامه‌های توسعه در جوامع مختلف است که بدون آن، امکان تحقق توسعه پایدار در ابعاد گوناگون (انسانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) وجود ندارد. به همین دلیل، سیاستگذاری رفاه اجتماعی به عنوان شکلی از عدالت اجتماعی از جمله سازوکارهای ارتقای توسعه اجتماعی است. مخصوصاً این که رفاه اقشار مختلف جامعه به ویژه گروه‌های ضعیف و آسیب‌پذیر، اصیل‌ترین و انسانی‌ترین مشخصه توسعه است. از این

1. see: Pigou, 1965.

2. see: Rawls, 1972.

3. see: Suler, 1974.

رو، اهمیت رفاه اجتماعی تا حدی است که آن را نه هدف توسعه بلکه خود توسعه دانسته‌اند. (شاه‌آبادی و ارغند، ۱۳۹۷: ۹۱)

بنابراین، بررسی عوامل موثر بر رفاه اجتماعی از اهمیت فزاینده‌ای در مباحث اقتصادی برخوردار است. تحقیق حاضر نیز در این راستا شکل گرفته و سعی دارد تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران را بررسی نماید.

## ۲-۲- توسعه بخش بانکی

اقتصاد هر کشوری از دو بخش واقعی و مالی تشکیل شده که بخش واقعی ناظر بر تولید کالاها و خدمات است و کلیه متغیرهای اساسی حساب‌های ملی نظیر مصرف و سرمایه‌گذاری را در برمی‌گیرد. بخش مالی نیز به‌عنوان مکمل بخش واقعی شامل فعالیت‌هایی است که توسط پول و سایر اوراق بهادار انجام می‌شود و وظیفه اصلی آن انتقال وجوه قابل وام دادن از وام‌دهندگان (واحدهای دارای مازاد پس‌انداز) به وام‌گیرندگان (واحدهای دارای کسری پس‌انداز) است. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸) در ادبیات اقتصادی از این دو بخش تحت عنوان دو بال پرنده یاد شده که بدون وجود هر یک، امکان دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی متصور نیست. در واقعیت نیز چنین است و کشور توسعه‌یافته‌ای یافت نمی‌شود که از توسعه همزمان دو بخش واقعی و مالی بهره نبرده باشد.

در این بین، نقش بازارهای مالی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. زیرا، بازارهای مالی با تجمع و هدایت منابع پس‌اندازی جامعه به سمت نیازهای سرمایه‌گذاری، انباشت سرمایه را سرعت بخشیده و با اشراف به عدم مراجعه یک‌باره کلیه پس‌اندازکنندگان برای برداشت سپرده، اقدام به واگذاری اعتبارات بلندمدت به بنگاه‌ها نموده و ریسک کسری نقدینگی آن‌ها را به حداقل می‌رسانند. جمع‌آوری اطلاعات و تخصیص بهینه منابع از دیگر وظایف بازار مالی است. زیرا، ارزیابی طرح‌ها مستلزم جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است که برای پس‌اندازکنندگان شخصی ناممکن و پرهزینه بوده، اما، واسطه‌های مالی با برخورداری از ابزارها و نیروی انسانی متخصص این کار را با توانایی و شایستگی بیشتری انجام می‌دهند. (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷)

بر اساس کارکردهای پیش‌گفته، بر اهمیت بخش مالی در اقتصاد تا بدان حد تأکید شده که برخی از اقتصاددانان، تفاوت بین اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را نه در برخورداری

از فناوری پیشرفته، بلکه در وجود بخش مالی توسعه یافته می‌دانند (صمدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲) و توسعه یافتگی مالی نیز به معنای دسترسی آسان و کم هزینه آحاد جامعه به ابزارها، خدمات، بازارها و واسطه‌های مالی تعریف شده (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷) که شامل توسعه مالی بخش بانکی و غیر بانکی است. اما، از آنجا که نظام تأمین مالی ایران بانک‌محور (Bank - Based System) است، در این تحقیق از توسعه بخش بانکی به عنوان متغیر مؤثر بر رفاه اجتماعی استفاده شده است.

### ۲-۳- سازوکار تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی

پیش از بیان سازوکار تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی باید اشاره شود که از شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی استفاده می‌شود که در دو دسته کلی قابل تقسیم‌بندی‌اند. نخست، شاخص‌های منفرد که تنها توانایی سنجش و ارزیابی بعد خاصی از رفاه اجتماعی را دارند. به‌طور مثال، درآمد سرانه که تنها بعد مصرف را مورد توجه قرار می‌دهد. دوم، شاخص‌های ترکیبی که تجمعی از شاخص‌های منفردند و ابعاد مختلف رفاه اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کنند. از آن جمله می‌توان به شاخص سن<sup>۱</sup>، شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۲-۱۹۹۹)، شاخص رفاه اقتصادی پایداری<sup>۲</sup>، شاخص رفاه اقتصادی اسبرگ<sup>۳</sup>، شاخص جامعه پایدار فاسلو<sup>۴</sup> و شاخص لگاتوم (Legatum Prosperity Index, 2012) اشاره نمود. اما در این مطالعه از تابع رفاه اجتماعی سن شامل دو جزء درآمد سرانه و توزیع درآمد برای سنجش رفاه اجتماعی استان‌های ایران استفاده شده است. زیرا، علاوه بر جامعیت بالا، داده‌های مورد نیاز برای محاسبه آن در سطح استان‌های ایران منتشر شده و در دسترس قرار دارد. همچنین، توسعه بخش بانکی نیز با شاخص‌های متعددی ارزیابی می‌شود؛ که در این تحقیق به پیروی از دونوآدونسو و سیلواستر<sup>۵</sup> از شاخص کارایی توسعه مالی استفاده شده که نسبت به سایر شاخص‌ها تأثیرگذاری بیشتری بر زندگی مردم و وضعیت رفاهی آن‌ها دارد. به‌علاوه، داده‌های مورد نیاز برای محاسبه آن در سطح استان‌های کشور وجود دارد. این

1. see: Sen, 1977.

2. see: Daly, 1995.

3. see: Osberg, 1999.

4. see: Fasolo, 2011.

5. see: Adonsou and Sylwester, 2016.

شاخص از تقسیم اعتبارات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی نسبت به تولید ناخالص داخلی بدست می‌آید. (دادگر و نظری، ۱۳۸۸: ۳۲)

پس از این توضیحات، سازوکار تأثیر توسعه بخش بانکی بر تابع رفاه اجتماعی سن به تفکیک دو جزء تشکیل دهنده آن (درآمد سرانه و توزیع درآمد) به شرح ذیل قابل بحث و بررسی است. درباره تأثیر توسعه مالی به‌طور عام و توسعه بخش بانکی به‌طور خاص بر رشد درآمد سرانه دو دیدگاه سنتی از هم قابل تمایز است. دیدگاه اول از رایینسون<sup>۱</sup> الهام گرفته و معتقد است بخش مالی در مقایسه با دیگر عوامل مؤثر بر درآمد سرانه از حالت انفعالی برخوردار است. بر این اساس، واسطه‌های مالی به صورت کاملاً منفعلانه، پس‌انداز خانوارها را به سمت نیازهای سرمایه‌گذاری سوق داده و عوامل اصلی رشد درآمد سرانه را باید در موجودی سرمایه و نرخ سرمایه‌گذاری جست. لذا، باید سیاست‌های بخش عمومی معطوف به انباشت سرمایه فیزیکی باشد. دیدگاه دوم الهام گرفته از نظریات شومپتر<sup>۲</sup> است و گلداسمیت<sup>۳</sup>، مکینون<sup>۴</sup> و شو<sup>۵</sup> آن را تشریح کرده‌اند. این گروه معتقدند، تفاوت در کمیت و کیفیت بخش مالی می‌تواند بخش مهمی از تفاوت نرخ رشد درآمد سرانه کشورها را توضیح دهد و کانال‌های این اثرگذاری به شرح ذیل برشمرده است:

- تخصیص کارای سرمایه: بخش مالی توسعه‌یافته با فراهم‌سازی خدمات تسهیم ریسک، نقدینگی سریع و ارائه اطلاعات مناسب زمینه تخصیص کارای سرمایه، بهبود رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه را فراهم می‌کنند.

- تبدیل کارای پس‌انداز به سرمایه‌گذاری: نظام مالی از طریق واسطه‌های مالی، پس‌انداز خانوارها را به سمت سرمایه‌گذاری هدایت و بخشی از منابع را نیز به سمت خود جذب می‌کند. با توجه به هزینه‌بر بودن کارکردهای اطلاعاتی و مبادلاتی در نظام مالی، اگر بنا به دلایلی از قبیل وجود انحصارات، ضعف قوانین و مقررات دولتی و سرکوب مالی، تأمین مالی از طریق این نظام با رانت همراه نشود و مستلزم پرداخت هزینه واقعی آن باشد، به تخصیص کارای پس‌انداز به سرمایه‌گذاری کمک و موجب افزایش رشد اقتصادی و درآمد سرانه می‌گردد.

---

1. see: Robinson, 1952.  
 2. see: Schumpeter, 1912.  
 3. see: Goldsmith, 1969.  
 4. see: Mckinnon, 1973.  
 5. see: Shaw, 1973.

- افزایش نرخ پس‌انداز: توسعه مالی از طریق تأثیر بر نرخ بهره و ریسک نرخ‌های بازدهی، میل به پس‌انداز را تحت تأثیر قرار داده و به رقابتی شدن بخش مالی، کاهش نرخ بهره و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری منجر می‌شود و در نهایت به افزایش رشد اقتصادی و درآمد سرانه کمک می‌کند (امام‌وردی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۸).

درباره تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به نحوی که گرینود و جوانویک<sup>۱</sup> با استفاده از فروض کوزنتس<sup>۲</sup> رابطه‌ای غیرخطی بین توسعه مالی و نابرابری درآمد پیش‌بینی کرده‌اند. به اعتقاد آن‌ها با بهبود نظام مالی، نابرابری درآمد در ابتدا افزایش، سپس تثبیت و سرانجام کاهش می‌یابد. از طرفی، اقتصاددانانی چون اقیون و بالتون<sup>۳</sup>، بانرجی و نیومن<sup>۴</sup> و لری<sup>۵</sup> معتقدند دسترسی به اعتبارات بیشتر، شرط کافی برای کاهش نابرابری درآمد نیست. از این رو بر توزیع مجدد درآمد تأکید می‌کنند. این در حالی است که جینی و پودار<sup>۶</sup>، لیانگ<sup>۷</sup>، بک و همکاران<sup>۸</sup> و کلارک و همکاران<sup>۹</sup> معتقدند توسعه مالی به‌طور مستقیم با افزایش درآمد فقرا و به‌طور غیرمستقیم با افزایش رشد اقتصادی موجب کاهش نابرابری درآمد می‌شود. بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، توسعه مالی در صورتی به کاهش نابرابری درآمد منجر می‌شود که زمینه مناسب برای تخصیص بهینه منابع مالی فراهم باشد تا کارایی سرمایه افزایش یابد. به عبارتی، اثر مثبت توسعه مالی بر توزیع درآمد، بیش از آن که متأثر از افزایش حجم سرمایه‌گذاری باشد، از افزایش کارایی سرمایه ناشی می‌شود (صامتی و سجادی، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

### ۳- پیشینه پژوهش

ابراهیمی و آل‌مراد (۱۳۹۰)، تأثیر توسعه بازار پول بر توزیع درآمد در ایران را طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۵ بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد توسعه بازار پول در بلندمدت و کوتاه‌مدت سبب کاهش نابرابری درآمد می‌گردد. همچنین، نرخ باسوادگی و رشد اقتصادی سبب

1. see: Greenwood and Jovanovic, 1990.

2. see: Kuznets, 1995.

3. see: Aghion and Bolton, 1997.

4. see: Banerjee and Newman, 1993.

5. see: Loury, 1981.

6. see: Jeanneney and Kpodar, 2008.

7. see: Liang, 2006.

8. see: Beck et al, 2007.

9. see: Clarke et al, 2003.

کاهش نابرابری درآمدی و درجه بازبودن اقتصاد سبب افزایش نابرابری درآمدی می‌شود. صامتی و ساجدی (۱۳۹۱) رابطه توسعه مالی و نابرابری توزیع درآمد در منتخبی از کشورهای درحال توسعه با سطح توسعه انسانی متوسط و درآمد سرانه‌ای بالاتر از میانگین درآمد سرانه جهانی را طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۴ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد بین توزیع درآمد و توسعه مالی رابطه منفی وجود دارد.

همچنین، فرهمند و همکاران (۱۳۹۲)، اثر تولید و رشد بخشی بر رفاه اجتماعی استان‌های ایران و شهیک‌تاش و همکاران (۱۳۹۲) اثر متغیرهای کلان بر رفاه اجتماعی در ایران را بررسی و نتیجه گرفته‌اند رشد اقتصادی، نرخ باسوادی، مخارج دولت و مخارج بهداشتی بر رفاه اجتماعی اثر مثبت و بیکاری، تورم و ضریب جینی بر رفاه اجتماعی اثر منفی داشته‌اند.

زراءنژاد و حسین‌پور (۱۳۹۳)، تأثیر توسعه بازارهای مالی بر نابرابری درآمدی در ایران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۰ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد مؤلفه‌های مالی بخش بانکی، بخش غیربانکی، قانون‌گذاری و نظارت، بازبودن بخش مالی و بخش نهادی باعث کاهش ضریب جینی و بهبود در توزیع درآمد شده‌اند. در این بین، مؤلفه‌های بخش بانکی بیشترین تأثیر را بر توزیع درآمد در ایران داشته‌اند.

سپهردوست و ابراهیم‌نسب (۱۳۹۳)، تأثیر بیمه عمر بر امید به زندگی و نرخ مرگومیر کودکان به‌عنوان دو شاخص مهم رفاه اجتماعی در ایران را طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۶۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد ضریب نفوذ بیمه عمر، بیمه عمر سرانه و حق بیمه عمر بر امید به زندگی و کاهش نرخ مرگومیر کودکان اثر مثبت دارند. همچنین، متغیرهای تورم و نرخ بیکاری بر امید به زندگی و کاهش نرخ مرگومیر کودکان اثر منفی و درآمد سرانه اثر مثبت داشته‌اند.

دیزجی و آهنگری‌گرگری (۱۳۹۴)، رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمد را در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد افزایش نهادها و مؤسسات مالی موجب کاهش نابرابری درآمدی شده است. صامتی و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر نرخ‌های بهینه مالیات بر رفاه اجتماعی را بررسی و نتیجه گرفته‌اند نرخ‌های بهینه مالیات بر رفاه اجتماعی اثر مثبت داشته‌اند.



علیقلی (۱۳۹۶)، تأثیر تسهیلات پرداختی بانک‌ها به بخش کشاورزی بر توزیع درآمد در ایران را طی دوره ۱۳۷۱-۱۳۹۰ بررسی کرده است. نتایج نشان داد تسهیلات بانکی و درآمد سرانه اثر مثبت و نرخ تورم اثر منفی بر توزیع درآمد در ایران داشته‌اند.

از مطالعات خارجی نیز حریفی (Dhrifi, 2013)، تأثیر توسعه مالی بر کاهش فقر در ۸۹ کشور طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۰ را بررسی کرده است. نتایج نشان داد که توسعه مالی از کانال‌های بیمه، دسترسی به خدمات اعتباری و پس‌انداز بر کاهش فقر تأثیر شدیدی دارد. البته، نوع و سطح تأثیر توسعه مالی بر نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی و نیز کیفیت نهادی در میزان اثرگذاری توسعه مالی بر کاهش فقر بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

لا و همکاران (Law et al, 2014)، رابطه بین توسعه مالی و نابرابری درآمد را در سطوح متفاوت کیفیت نهادی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد کیفیت نهادی بر رابطه بین توسعه مالی و نابرابری درآمد مؤثر است. به این معنا که توسعه مالی پس از یک سطح استان‌های مشخص از کیفیت نهادی تمایل به کاهش نابرابری درآمد دارد و تا آن زمان توسعه مالی بر نابرابری درآمد بی‌تأثیر است.

همچنین، دونوآدونسو و سیلوستر (Adonsou and Sylwester, 2016)، با استفاده از نسبت اعتبارات واگذاری به تولید ناخالص داخلی به عنوان جایگزین توسعه مالی، تأثیر توسعه بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی خرد بر کاهش فقر در ۷۱ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۲ را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد توسعه بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی خرد بر کاهش فقر درآمدی<sup>۱</sup> مؤثر و بر کاهش فقر چند بعدی<sup>۲</sup> بی‌تأثیر است.

به احمد و مسیح (Ahmed and Masih, 2017)، می‌توان اشاره کرد که رابطه بلندمدت بین توسعه مالی و نابرابری درآمد را در مالزی طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۷۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد بین توسعه مالی، رشد اقتصادی، بازبودن تجاری و نابرابری درآمد یک رابطه بلندمدت وجود دارد.

۱. حداقل درآمدی که برای زندگی در یک کشور خاص در نظر گرفته می‌شود.

۲. نشان‌دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند.

پارک و شین (Park and Shin, 2017)، نیز رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمد را بررسی و نتیجه گرفته‌اند توسعه مالی بر کاهش نابرابری درآمد تأثیر دارد. البته، افزایش تحصیلات و بهبود قوانین این تأثیر را شدت می‌بخشد.

مرور اجمالی مطالعات پیشین نشان می‌دهد، بررسی تأثیر توسعه مالی به‌طور عام و توسعه بخش‌های بانکی، بازار سرمایه و بیمه به‌طور خاص بر رشد درآمد سرانه و نابرابری درآمدی به صورت مجزا سابقه دارد. اما، بررسی تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی به عنوان حاصل جمع درآمد سرانه واقعی و نابرابری توزیع درآمد لاقبل در مطالعات داخلی مسبوق به سابقه نیست.

#### ۴- واقعیات آماری

داده‌های میانگین شاخص سن و اجزای آن (درآمد سرانه و برابری توزیع درآمد) برای ۳۱ استان کشور طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹ به شرح جدول ۱ است. بر این اساس، بوشهر و سیستان و بلوچستان به ترتیب از بیشترین و کمترین سطح از رفاه اجتماعی و درآمد سرانه برخوردار بوده‌اند. اما، از نظر برابری توزیع درآمد (ضریب جینی)، استان‌های البرز و گلستان دارای بهترین و بدترین وضعیت بوده‌اند.

جدول (۱): میانگین شاخص سن و اجزای آن در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹

استان	درآمد سرانه		ضریب جینی		رفاه اجتماعی	
	رتبه	به هزار ریال	رتبه	دهک وزنی	شاخص سن	رتبه
آذربایجان شرقی	۱۷	۸۲۷۸۳	۲۰	۰,۳۳۴۶	۵۵۹۱۲	۱۷
آذربایجان غربی	۲۸	۶۱۵۱۲	۱۵	۰,۳۱۲۶	۴۲۲۸۳	۲۷
اردبیل	۲۰	۷۸۹۹۹	۱۰	۰,۳۰۴۲	۵۵۴۶۵	۱۹
اصفهان	۹	۱۰۶۹۵۰	۲۷	۰,۳۴۰۰	۷۰۷۵۸	۹
البرز	۷	۱۱۷۷۵۸	۱	۰,۲۷۷۶	۸۵۰۶۸	۷
ایلام	۱۵	۸۹۱۹۲	۷	۰,۲۸۹۰	۶۳۴۱۶	۱۴
بوشهر	۱	۴۴۵۶۳۱	۱۲	۰,۳۰۴۹	۳۰۹۷۵۸	۱
تهران	۲	۱۷۵۸۸۴	۲۹	۰,۳۶۱۱	۱۱۲۳۷۵	۳
چهارمحال و بختیاری	۲۳	۷۱۷۹۸	۱۴	۰,۳۱۱۱	۴۹۴۶۲	۲۳

۲۵	۴۵۵۱۴	۵	۰,۲۸۳۸	۲۵	۶۳۵۴۹	خراسان جنوبی
۲۰	۵۴۷۰۷	۲۵	۰,۳۳۳۰	۱۹	۸۲۰۱۹	خراسان رضوی
۲۸	۴۱۲۱۶	۲۶	۰,۳۳۵۶	۲۶	۶۲۰۳۵	خراسان شمالی
۱۱	۶۹۶۰۴	۲۱	۰,۳۲۵۱	۱۰	۱۰۳۱۳۳	خوزستان
۱۲	۶۷۹۲۸	۲	۰,۲۷۹۰	۱۳	۹۴۲۱۴	زنجان
۶	۹۰۱۲۹	۱۳	۰,۳۱۰۳	۶	۱۳۰۶۷۹	سمنان
۳۱	۲۹۶۱۵	۳۰	۰,۳۶۱۹	۳۱	۴۶۴۱۲	سیستان و بلوچستان
۱۳	۶۴۸۶۱	۲۸	۰,۳۴۸۸	۱۱	۹۹۶۰۲	فارس
۵	۹۴۱۱۷	۴	۰,۲۸۳۶	۵	۱۳۱۳۷۴	قزوین
۱۶	۵۶۲۲۴	۱۸	۰,۳۳۱۶	۱۶	۸۲۸۱۷	قم
۲۹	۴۰۴۱۱	۹	۰,۳۰۱۹	۳۰	۵۷۸۸۷	کردستان
۱۵	۶۳۱۶۷	۲۲	۰,۳۲۵۹	۱۴	۹۳۷۰۶	کرمان
۲۱	۵۱۳۳۶	۱۶	۰,۳۱۴۰	۲۱	۷۴۸۳۳	کرمانشاه
۲۴	۴۸۲۱۲	۳	۰,۲۷۹۰	۲۴	۶۶۸۶۸	کهگیلویه و بویراحمد
۳۰	۳۸۲۵۲	۳۱	۰,۳۷۳۵	۲۹	۶۱۰۵۷	گلستان
۱۸	۵۵۶۶۱	۱۹	۰,۳۲۴۴	۱۸	۸۳۳۸۷	گیلان
۲۶	۴۳۰۰۲	۱۱	۰,۳۰۴۸	۲۷	۶۱۸۵۶	لرستان
۱۰	۷۰۰۴۲	۸	۰,۲۹۳۹	۱۲	۹۹۱۹۶	مازندران
۴	۹۵۱۲۹	۱۷	۰,۳۱۹۲	۴	۱۳۹۷۳۱	مرکزی
۸	۷۶۰۵۸	۲۳	۰,۳۲۷۵	۸	۱۱۴۰۹۷	هرمزگان
۲۲	۴۹۸۵۲	۲۳	۰,۳۲۷۵	۲۲	۷۴۱۲۹	همدان
۲	۱۲۱۵۷۴	۶	۰,۲۸۸۳	۳	۱۷۰۸۲۲	یزد

منبع: داده‌ها و اطلاعات آماری مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران و یافته‌های تحقیق

از تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به هر استان تقسیم بر تولید ناخالص داخلی آن استان به‌عنوان جایگزین توسعه بخش بانکی استفاده شده که میانگین آن به تفکیک ۳۱ استان کشور در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹ به شرح جدول ۲ است. بر اساس ارقام موجود، استان‌های تهران و بوشهر به‌ترتیب از بیشترین و کمترین سطح از توسعه بخش بانکی برخوردار بوده‌اند.

جدول (۲): میانگین شاخص توسعه مالی در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹

رتبه	درصد	استان	رتبه	درصد	استان
۲۲	۳۶	فارس	۸	۵۱	آذربایجان شرقی
۱۹	۴۰	قزوین	۱۵	۴۲	آذربایجان غربی
۹	۵۰	قم	۲۰	۳۹	اردبیل
۲۲	۳۶	کردستان	۵	۵۳	اصفهان
۱۴	۴۶	کرمان	۲۹	۲۷	البرز
۹	۵۰	کرمانشاه	۲۵	۳۱	ایلام
۱۳	۴۸	کهگیلویه و بویراحمد	۳۱	۱۱	بوشهر
۲	۵۷	گلستان	۱	۱۸۳	تهران
۵	۵۳	گیلان	۳	۵۶	چهارمحال و بختیاری
۱۵	۴۲	لرستان	۹	۵۰	خراسان جنوبی
۱۲	۴۹	مازندران	۲۱	۳۸	خراسان رضوی
۲۷	۲۹	مرکزی	۱۸	۴۱	خراسان شمالی
۲۴	۳۲	هرمزگان	۲۸	۲۷	خوزستان
۲۶	۳۰	همدان	۱۵	۴۲	زنجان
۴	۵۴	یزد	۷	۵۲	سمنان
			۳۰	۲۱	سیستان و بلوچستان

منبع: داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یافته‌های تحقیق

### ۵- روش‌شناسی تحقیق و ارائه مدل

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است. زیرا، به قصد کاربرد نتایج جهت افزایش رفاه اجتماعی استان‌های کشور انجام شده است. از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی است. زیرا، ارتباط بین متغیرها را با استفاده از آمارهای ثانویه و بدون مداخله و دست‌کاری در آن‌ها بررسی می‌کند. از نظر اجرایی، از تحلیل رگرسیون چند متغیره (بدنه اصلی مطالعات اقتصادسنجی) استفاده شده که از طریق آن می‌توان مجموعه متغیرهای مؤثر بر رفاه اجتماعی را به گونه‌ای الگوسازی نمود که اثر هر یک از آن‌ها بر رفاه اجتماعی مشخص شود.

مدل تحقیق از نوع داده‌های تابلویی (Panel Data) است که استفاده از آن به علت مزایای فراوان<sup>۱</sup> نسبت به داده‌های مقطعی و سری زمانی، به‌طور فزاینده‌ای در تحقیقات اقتصادی افزایش

۱. در داده‌های تابلویی به‌علت ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی، مشکل ناهمسانی واریانس محدود، همخطی بین متغیرها کاهش، درجه آزادی افزایش و برآورد کارآتری انجام می‌شود.

یافته است<sup>۱</sup>. با این توضیح که داده‌های تابلویی شامل دو نوع ایستا و پویاست و مدل این تحقیق از نوع پویاست که وقفه متغیر وابسته (رفاه اجتماعی) به صورت متغیر توضیحی در طرف راست ظاهر شده و این به درک بهتر محقق از روابط بین متغیرها کمک می‌کند<sup>۲</sup>. زیرا، بسیاری از روابط اقتصادی به طور طبیعی پویا هستند. به‌طور مشخص، وضعیت رفاه اجتماعی هر استان در دوره جاری قابل گسترش و انتقال به دوره بعد است که پویایی رفاه اجتماعی در طول زمان را می‌رساند. پس از این توضیحات، فرم تبعی رفاه اجتماعی به صورت رابطه زیر ارائه می‌گردد:

$$SW = f(FDBS, INFL, UNEM, TR) \quad (۱)$$

در این رابطه،  $SW^3$  رفاه اجتماعی (متغیر وابسته تحقیق) است که از تابع رفاه اجتماعی سن (یکی از پرکاربردترین معیارهای کمی رفاه اجتماعی) برای این منظور استفاده شده است. این تابع به‌صورت زیر است:

$$SW = \mu(1 - G) \quad (۲)$$

در رابطه بالا،  $\mu$  درآمد سرانه و  $G$  ضریب جینی است. به‌عبارتی، شاخص مزبور حاصل ضرب درآمد سرانه در تفاضل ضریب جینی از عدد ۱ (شاخص بهبود توزیع درآمد) است که می‌تواند تغییرات در درآمد (رشد یا رکود) و تغییرات در توزیع درآمد را به طور توأمان نشان دهد و امکان مقایسه سطح رفاه اجتماعی یک استان را در سال‌های مختلف فراهم نماید.

$BSD^4$  توسعه بخش بانکی و متغیر کلیدی تحقیق است که به پیروزی از مطالعات احمد و مسیح<sup>۵</sup>، پارک و شین<sup>۶</sup>، دونوآدونسو و سیلوستر<sup>۷</sup>، لاو و همکاران<sup>۸</sup> و حریفی<sup>۹</sup> انتخاب شده و برابر سازوکار بیان شده در بخش‌های پیشین می‌تواند رفاه اجتماعی را افزایش یا کاهش دهد. همچنین، علاوه بر توسعه بخش بانکی، برخی از عوامل موثر بر رفاه اجتماعی تحت عنوان متغیر کنترل در مدل تحقیق لحاظ شده تا مدل بتوان تغییرات متغیر وابسته را با قدرت بیشتری

---

1. see: Baltagi, 2005.  
 2. see: Arellano & Bond, 1991.  
 3. Social Welfare  
 4. Banking Sector Development  
 5. see: Ahmed and Masih, 2017.  
 6. see: Park and Shin, 2017.  
 7. see: Adonsou and Sylwester, 2016.  
 8. see: Law et al, 2014.  
 9. see: Dhrifi, 2013.

توضیح دهد. این متغیرها عبارتند از:

INFL نرخ تورم است که به پیروری از آگان و همکاران<sup>۱</sup> و لافری و اودونقو<sup>۲</sup> انتخاب شده و انتظار می‌رود بر رفاه اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد. زیرا، رشد تورم با نامتعادل‌تر نمودن توزیع درآمد سبب کاهش رفاه اجتماعی می‌شود.

UE نرخ بیکاری است که به پیروری از آگان و همکاران<sup>۳</sup> و روپراه و لیوانگاس<sup>۴</sup> انتخاب شده و انتظار می‌رود بر رفاه اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد. زیرا، افزایش نرخ بیکاری با کاهش درآمد همراه است که رفع نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک، مسکن و آموزش و بهداشت را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین، نرخ بیکاری در تحرک اجتماعی افراد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و افزایش آن به رشد نابرابری درآمد در جامعه منتهی می‌شود.

TR درآمدهای مالیاتی است که به پیروری از مارتینز-وازگوئز و همکاران<sup>۵</sup>، صامتی و همکاران<sup>۶</sup> و مجتهد و احمدیان<sup>۷</sup> انتخاب شده و می‌تواند بر رفاه اجتماعی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد. زیرا، نظام مالیاتی کارآمد که قادر به اخذ مالیات از مالیات‌دهندگان واقعی باشد سبب کاهش نابرابری درآمد و بهبود رفاه اجتماعی می‌شود. در غیر این صورت، سبب افزایش شکاف درآمدی و کاهش رفاه اجتماعی می‌گردد.

پس از معرفی متغیرهای مدل، رابطه (۱) را می‌توان به صورت زیر بسط داد:

$$LSW_{it} = \alpha_i + \beta_0 LSW_{it-1} + \beta_1 LBSD_{it} + \beta_2 LINFI_{it} + \beta_3 LUE_{it} + \beta_4 LTR_{it} + U_{it} \quad (3)$$

معادله بالا به شکل لگاریتم طبیعی بوده و حرف L پیش از نام متغیرها گواه این مطلب است. اثرات ثابت یا همان عرض از مبدأ است. ضمناً، داده‌های درآمد سرانه و ضریب جینی مورد نیاز برای محاسبه تابع رفاه اجتماعی از پایگاه داده‌ها و اطلاعات آماری مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران، داده‌های توسعه بخش بانکی، نرخ تورم و نرخ بیکاری از پایگاه داده‌های سری‌های

1. see: Agan et al,2016.
2. see: Loughrey and O'Donoghue,2012.
3. see: Agan et al,2016.
4. see: Ruprah and Luengas,2011.
5. see: Martinez-Vazquez et al,2014.

۶. نک: صامتی و همکاران، ۱۳۹۴.

۷. نک: مجتهد و احمدیان، ۱۳۸۵.

زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و داده‌های درآمد مالیاتی از پایگاه داده‌های اقتصادی و مالی وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است.

#### ۶- برآورد مدل

استفاده از روش‌های معمول اقتصادسنجی بر فرض ایستایی متغیرها استوار است. از این‌رو، باید پیش از برآورد مدل به منظور پرهیز از تشکیل رگرسیون کاذب، ایستایی متغیرها بررسی شود. در غیر این‌صورت، آزمون‌های  $F, t$  و استنتاج آماری معتبر نخواهد بود. در این تحقیق، علیرغم این که دوره زمانی تحقیق کوتاه بود و به انجام آزمون ایستایی نیاز نبود. اما، از روش دیکی- فولر تعمیم یافته برای بررسی ایستایی متغیرها استفاده گردیده است. ولی، توان این آزمون اندک است و احتمال دارد که نتواند یک سری زمانی ایستا را کشف کند. همچنین، در صورت وجود شکست ساختاری در فرایند داده‌ها، ممکن است آزمون دیکی فور تعمیم‌یافته با ارائه نتایج اشتباه، سری ایستا را نا ایستا جلوه دهد.

از این‌رو، به‌منظور افزایش دقت نتایج تخمین، از آزمون هادری (Hadri stationary test) نیز در کنار آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته استفاده شد. فرایند بررسی ایستایی در روش‌های هادری و دیکی فولر تعمیم‌یافته به این صورت است که با عدم پذیرش فرضیه  $H_0$ ، نایستایی متغیرها (فرض وجود ریشه واحد) رد می‌شود. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان‌دهنده رد فرضیه صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای کلیه متغیرهای به‌کار رفته در مدل است. بنابراین، ایستایی متغیرها تأیید و احتمال کاذب بودن رگرسیون برآوردی منتفی می‌باشد.

جدول (۳): نتایج آزمون ایستایی متغیرها

نتیجه	ADF		Hadri Stationary test		متغیر
	احتمال پذیرش صفر	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش صفر	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	
I(0)	۰/۰۰	-۳/۱۱	۰/۰۰	-۶/۳۹	SW
I(0)	۰/۰۰	-۴/۵۴	۰/۰۰	-۷/۴۱	BSD
I(0)	۰/۰۰	-۳/۱۲	۰/۰۰	-۶/۰۸	INFL
I(0)	۰/۰۰	-۲/۸۴	۰/۰۰	-۵/۱۹	UE
I(0)	۰/۰۰	-۳/۶۲	۰/۰۰	-۶/۲۳	TR

منبع: یافته‌های پژوهش

حال با توجه به این که داده‌های تابلویی حاصل ترکیب داده‌های مقاطع مختلف (استان‌های ایران) در طول زمان است، قابلیت ترکیب آن‌ها باید از طریق آزمون F لیمر بررسی شود. در این آزمون، فرضیه  $H_0$  قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تلفیقی (Pool data) و فرضیه  $H_1$  قابلیت تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی است که نتایج در جدول ۴ نشان داد احتمال برآوردی آماره F کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، تخمین مدل به صورت داده‌های تابلویی تأیید می‌شود. به این معنا که اثرات خاص هر استان بر متغیر وابسته مؤثر است.

جدول (۴): نتایج آزمون F لیمر

نتیجه	احتمال	آماره F
داده‌های تابلویی	۰/۰۰	۱۸/۸۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله بعد، مدل تحقیق مبنی بر تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۶ به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برآورد گردید. نتایج حاصل از تخمین به شرح جدول ۵ است. در این جدول، آماره سارگان حاصل بررسی اعتبار ماتریس ابزارها توسط آزمون سارگان است که مقدار بزرگتر از ۵ درصد احتمال آماره سارگان مؤید آن است که عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص را نمی‌توان رد کرد. بنابراین، ابزارهای مورد استفاده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردارند.

جدول (۵): نتایج تخمین مدل تحقیق به روش گشتاورهای تعمیم یافته

متغیر وابسته: رفاه اجتماعی			
متغیرهای توضیحی ▼			
عنوان	نماد	ضریب	آماره t
رفاه اجتماعی باوقفه	SW(-1)	۰/۳۸*	۴/۴۱
توسعه بخش بانکی	BSD	۰/۰۸**	۴/۳۳
نرخ تورم	INFL	-۰/۳۶**	۴/۴۳
نرخ بیکاری	UE	-۰/۲۱**	۳/۰۴
درآمدهای مالیاتی	TR	۰/۰۷	۲/۲۱
مقدار آماره سارگان	Sargan Test		۱۴/۱۱
احتمال آماره سارگان	P-Value		۰/۵۴۳

منبع: یافته‌های پژوهش - نشانه‌های \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می‌دهند.



## ۷- تفسیر نتایج

تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران مثبت و معنادار است که با نتیجه مطالعات احمد و مسیح<sup>۱</sup>، پارک و شین<sup>۲</sup>، دونوآدونسو و سیلوستر<sup>۳</sup>، لاو و همکاران<sup>۴</sup> و حریفی<sup>۵</sup> همخوانی دارد. زیرا، افزایش توسعه مالی بخش بانکی با فراهم‌سازی دسترسی آسان و کم هزینه بخش تولید به نقدینگی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری سبب افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد درآمد سرانه شده است. همچنین، با ایجاد دسترسی طبقات پایین - درآمدی جامعه به تسهیلات بانکی سبب متعادل‌تر شدن توزیع درآمد شده است.

تأثیر تورم بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران منفی و معنادار است که با نتیجه مطالعات آگان و همکاران<sup>۶</sup> و لافری و اودونقو<sup>۷</sup> همخوانی دارد. زیرا، تورم با کاهش ارزش درآمد حاصل از تلاش مردم و گسترش نابرابری درآمدی به کاهش رفاه اجتماعی دامن زده است.

تأثیر نرخ بیکاری بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران منفی و معنادار است که با نتیجه مطالعات آگان و همکاران<sup>۸</sup> و روپراه و لیوانگاس<sup>۹</sup> همخوانی دارد. زیرا، افزایش بیکاری با کاهش عایدی افراد و ایجاد و گسترش شکاف درآمدی بین افراد شاغل و بیکار سبب کاهش رفاه اجتماعی شده است.

تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رفاه اجتماعی در استان‌های ایران فاقد معناداری آماری است که از ناکارآمدی نظام مالیاتی ایران ناشی می‌شود که قادر به مالیات‌ستانی از مالیات‌دهندگان واقعی و توزیع درآمد به نفع اقشار کم درآمد نیست.

تأثیر متغیر رفاه اجتماعی باوقفه بر رفاه اجتماعی نیز مثبت و معنادار است که با مبانی نظری مطابقت دارد. زیرا، رفاه اجتماعی در هر دوره از شرایط دوره قبل تأثیر مثبت می‌پذیرد.

- 
1. see: Ahmed and Masih, 2017.
  2. see: Park and Shin, 2017.
  3. see: Adonsou and Sylwester, 2016.
  4. see: Law et al, 2014.
  5. see: Dhriifi, 2013.
  6. see: Agan et al, 2016.
  7. see: Loughrey and O' Donoghue, 2012.
  8. see: Agan et al, 2016.
  9. see: Ruprah and Luengas, 2011.

#### ۸- جمع‌بندی و پیشنهادها

در این تحقیق، تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی استان‌های ایران در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹ برآورد گردیده است. نتایج نشان داد تأثیر توسعه بخش بانکی بر رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است که بر اساس این نتیجه و به منظور اثرگذاری هر چه بیشتر بخش بانکی بر بهبود رفاه اجتماعی در استان‌های ایران پیشنهاد می‌شود:

- شبکه بانکی با به‌کارگیری ابزارهای متنوع، فناوری‌های مدرن و توسعه بانکداری الکترونیک، استفاده از مشاورین خبره مجهز به علم و دانش روز و استخدام کارکنان متخصص و ماهر نسبت به ارائه خدمات نوین، متمایز و کم هزینه به مشتریان اقدام نماید تا انگیزه سپرده‌گذاری در نظام بانکی تقویت شود. در این صورت، به دلیل افزایش جذب منابع مالی و کاهش هزینه‌های عملیاتی، امکان تنظیم صحیح گردش پول و استقرار نظام اعتباری کارآمد با هدف تخصیص بهینه منابع مالی به آحاد جامعه فراهم می‌شود و از مجرای افزایش درآمد سرانه به بهبود رفاه اجتماعی کمک می‌نماید. همچنین، با توسعه بانکداری الکترونیک، زمینه دسترسی کلیه آحاد جامعه - خاصه طبقات پایین درآمدی و ساکن مناطق محروم- به خدمات بانکی و تسهیلات اعطایی بیش از پیش فراهم شده و از مجرای توزیع متعادل‌تر درآمد به بهبود سطح رفاه عمومی منجر می‌شود.

## منابع

### الف) فارسی

۱. ابراهیمی، محسن و محمود آل مراد (۱۳۹۰)، تأثیر توسعه بازار پول بر توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه پول و اقتصاد*، شماره ۶، صص ۱۳۱-۱۰۹.
۲. امام‌وردی، قدرت‌اله؛ مهدی فراهانی و فاطمه شقاقی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی اثر گسترش بازارهای مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با روش داده‌های تلفیقی ۲۰۰۸-۱۹۷۵. *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۲-۴۵.
۳. دادگر، یدالله و روح‌الله نظری (۱۳۸۸)، ارزیابی شاخص‌های توسعه مالی در ایران، *اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، تهران، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف*.
۴. دیزجی، منیره و محدثه آهنگری‌گرگری (۱۳۹۴)، تأثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، *فصلنامه اقتصاد مالی*، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۰۴-۷۵.
۵. زراءنژاد، منصور و عبدالکریم حسین‌پور (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر توسعه بازارهای مالی بر نابرابری درآمدی در اقتصاد ایران. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۹-۱.
۶. سپهردوست، حمید و سمانه ابراهیم نسب (۱۳۹۳)، رابطه توسعه بیمه عمر و رفاه اجتماعی با سلامت در ایران در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۰۹-۹۱.
۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل و هانیه ارغند (۱۳۹۷)، تأثیر پیچیدگی اقتصادی (ECI) بر رفاه اجتماعی در کشورهای منتخب در حال توسعه. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، سال بیست و دوم، شماره ۸۹، صص ۱۲۲-۸۹.
۸. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ معصومه احمدی و علی مرادی (۱۳۹۷)، تأثیر متقابل توسعه مالی و آزادی اقتصادی بر ضریب نفوذ بیمه در کشورهای منتخب ناموفق در توسعه صنعت بیمه. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۷۰-۴۱.
۹. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ علیم رادی و میثم نوروزی (۱۳۹۵)، تأثیر توسعه بازار پول و سرمایه بر رشد ارزش افزوده بخش صنعت ایران با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی، *فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۰۵.
۱۰. شهیک‌تاش، محمدنبی؛ صابر مولایی و الهام شیوایی (۱۳۹۲)، سنجش کاردینالی رفاه و ارزیابی اثر متغیرهای کلان بر رفاه اجتماعی در ایران بر مبنای رگرسیون فازی. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیست و یکم، شماره ۶۵، صص ۱۸۲-۱۶۵.
۱۱. صامتی، مجید؛ هادی امیری و سعیده ایزدی (۱۳۹۱)، تأثیر نرخ‌های بهینه مالیات غیرمستقیم بر رفاه اجتماعی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال پانزدهم، شماره ۴، صص ۷۳-۵۱.

۱۲. صامتی، مجید و زهرا سادات سجادی (۱۳۹۱). تأثیر توسعه مالی بر نابرابری توزیع درآمد: مطالعه موردی منتخبی از کشورهای در حال توسعه. *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۵۰-۱۳۹.
۱۳. صمدی، سعید؛ خدیجه نصرالهی و مرتضی کرملیان سیچانی (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۶-۱.
۱۴. علیقلی، منصوره (۱۳۹۶). تأثیر تسهیلات بانکی اعطا شده به بخش کشاورزی بر توزیع درآمد ایران. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۹، شماره ۴، صص ۸۴-۶۷.
۱۵. فرهمند، شکوفه؛ طیبی، سید کمیل؛ و محسن کریمی (۱۳۹۲). اثر تولید و رشد بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در استان‌های ایران (۸۶-۱۳۷۹). *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و چهارم، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۲۷.
۱۶. فیض‌زاده، علی؛ و سعید مدنی (۱۳۷۹). تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی: شاخص‌شناسی برای تبیین و سنجش. *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره ۷، صص ۳۳۲-۲۰۹.
۱۷. محمدی، حسین؛ اعلائی، محمدمهدی؛ و الهام اصغرزاد (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر توسعه مالی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۲، شماره ۶، صص ۳۷-۲۵.
۱۸. میچلی، جیمز (۱۳۷۸). رفاه اجتماعی در جهان. ترجمه محمدتقی جغتایی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، چاپ اول.

## ب) لاتین

19. Agan, Yavuz., Sevinc, Ender. & Orhan, Mehmet. (2016). Impact of main indicators macroeconomic on happiness. *European Journal of Economic and Political Studies*, Vol.2, No.2, PP.13-21.
20. Aghion, Philippe. & Bolton, Patrick. (1997). A trickle-down theory of growth and development with debt overhang. *Review of Economic Studies*, Vol.64, No.2, PP.151-172
21. Ahmed, Azleen Rosemy. & Masih, Mansur. (2017). What is the link between financial development and income inequality? evidence from Malaysia. *MPRA Paper 79416, University Library of Munich, Germany*.
22. Banerjee, Abhijit. & Newman, Andrew. (1993). Occupational choice and the process of development. *Journal of Political Economy*, Vol.101, No.2, PP.274-298
23. Beck, Thorsten., Levine. Ross & Demircuc-Kunt, Asli. (2007). Finance, inequality and the poor. *Journal of Economic Growth*, Vol.12, No.1, PP.27-49.

24. Clarke, George., Lixin, Lixin Colin. & Zou, Heng-fu. (2003). Finance and income inequality: Test of alternative theories. *Policy Research Working Paper, No.2984, PP.1-26.*
25. Dhrifi, Abdelhafidh. (2013). Financial development and poverty: What role for growth and inequality? *International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences, Vol.3, No.4, PP.119-129*
26. Donou-Adonsou, Ficawoyi. & Sylwester, Kevin. (2016). Financial development and poverty reduction in developing countries: New evidence from banks and microfinance institutions. *Review of Development Finance, Vol.6, No.1, PP.82-90.*
27. Greenwood, Jeremy. & Jovanovic, Boyan. (1990). Financial development, growth, and the distribution of income. *The Journal of Political Economy, Vol.98, No.5, PP.1076-1107.*
28. Goldsmith, Raymond. (1969). *Financial structure and development.* New Haven, CT; Yale University Press.
29. Jeanneney, Sylviane Guillaumont. & Kpodar, Kangni. (2008). Financial development and poverty reduction: Can there be a benefit without a cost? *IMF Working Paper, WP/08/62.*
30. Kuznets, Simon. (1955). Growth and income inequality. *The American Economic Review, Vol.45, No.1, PP.1-28.*
31. Loughrey, Jason. & O'Donoghue, Cathal. (2012). The impact of price changes on household welfare and inequality 1999-2011. *The Economic and Social Review, Vol.43, No.1, PP.31-66.*
32. Law, Siong Hook., Tan, Hui Boon. & Azman, Saini. (2014). Financial development and income inequality at different levels of institutional quality. *Emerging Markets Finance and Trade, Vol.50, No.1, PP.21-33.*
33. Levine, Ross., Loayza, Norman. & Beck, Thorsten. (2000). Financial intermediation and growth. *Journal of Monetary Economics, Vol.46, No.1, PP.31-77.*
34. Liang, Zhicheng. (2006). Financial development and income distribution: A system GMM panel analysis with application to urban China. *Journal of Economic Development, Vol.31, No.20, PP.1-21.*
35. Loury, Glenn. (1981). Intergenerational Transfers and the distribution of earnings. *Econometrica, Vol.49, No.4, PP.843-867.*
36. Mckinnon, Ronald. (1973). *Money and capital in economic development.* Washington DC: Brooking Institution.
37. Martinez-Vazquez, Jorge., Vulovic, Violeta. & Dodson, Blanca Moreno. (2014). The impact of tax and expenditure policies on income distribution: Evidence from a large panel of countries. *Hacienda Pública Española, Vol.200, No.4, PP.95-130.*

38. Park, Donghyun. & Shin, Kwanho. (2017). Economic growth, financial development, and income inequality. *Emerging Markets Finance and Trade*, Vol.53, No.12, PP.2794-2825.
39. Robinson, Joan. (1952). *Generalization of the general theory in the rate of interest and other essays*. Mc Milan, London.
40. Ruprah, Inder. & Luengas, Pavel. (2011). Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Economics-Socio*, Vol.40, No.1, PP.59-66.
41. Schumpeter, Joseph Alois. (1911). *Theory economics development*. Cambridge, MA: Harvard University Press. (Revised editions in 1961).
42. Shaw, Edward Stone. (1973). *Financial deepening in economic development*. New York: Oxford University Press.